



بنام کردستان بزرگ

Under Name Of Graet Kurdistan

دوستان عیب کندم که چرا دل به تودادم!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

برگی از تاریخ ملت کرد (5)

از کتاب : کردوکردستان
نویسنده : واسیلی نیکیتین
قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضو آسیایی وانجمن نژادشناسی پاریس
عضودائمی موسسه بین المللی مردم شناسی و
عضو وابسته اکادمی سیاسی - بین المللی

مترجم : محمد قاضی

1363

گرد آورنده : سرهنگ چیا

رفقا! : بخوانیم تا بدانیم کی بودیم و کیستیم؟؟ . زیرا : هر بخشی از این کتاب : (کرد و کردستان) بقلم نویسنده بزرگ و نامدار روس ، بنظر من "چیا" : درس عبرت و زنهاری است!
درس دیالتیک تاریخ است درس درک و شناخت بیشتر و بهتر این واقعیت تلخ تاریخی است
که چرا : چنین ملت بزرگی و با چنین تاریخ و سرزمین بزرگ - و زر خیزش!! . لیکن : هنوز
و همچنان از کاروان دیگر ملل آزاد جهان بجای مانده است!.

آئینه "تاریخ" گر نقش تو بنمود راست
خود شکن آئینه شکستن خطاست.

ب : تلاشهای مربوط به سازماندهی نهضت ملی.

1 - نخستین سازمان سیاسی کرد در قسطنطنیه (1908).

پیشاهنگان نهضت ملی کرد نیز همچون میهن پرستان عرب و خود جوانان انقلابی ترک ابتدا به دور محور یک روزنامه با هم تماس یافتند و در آنجا بود که آرمانهای رهایی بخش ملی تبلور یافت. نشریه دو زبان کردی - ترکی ارگان این نهضت ، به نام کردستان ، که در 1898 در قاهره تاسیس یافته بود (1315 هجری قمری) بعدا به ژنو و فلکسون " از شهرهای انگلیستان " انتقال یافت ، سپس در دوران پیروزی انقلاب ترکیه جوان به قسطنطنیه باز گردانده شد و هنگام جنگ 1914 دوباره در قاهره مستقر گردید . نویسندگان این روزنامه تغییر میکردند ، ولی خانواده بدر خان و امیر مدحت و امیر عبدالرحمان و ثریا بیگ بودند . از آن طرف ، شیخ عبدالقادر نیز در : 1908 روزنامه (هتاوی کورد) (آفتاب کرد) را به عنوان ارگان (جمعیت همکاری و پیشرفت کرد) دایر کرد ، و بلافاصله جمعیت دیگری نیز شبیه به آن تشکیل شد . چون در واقع دبیری نگذشت که دو طایفه بدرخانیان و سادات نهری با هم به رقابت برخاستند ، در کمین هم نشستند و به فاش کردن اسرار هم پرداختند . روزنامه معلق ماند و جنبش که هیچ کمکی به آن نشداز هم پاشید . عبدالرزاق بدرخان به سراغ روسها میروود تا مگر یاری ایشان را جلب کند یا سراز مقاصد ایشان درآورد ، سپس در پاریس مستقر میشود . اعضای دیگر خانواده راه مصر را در پیش میگیرند . حتی هواداران شیخ عبدالقادر ، از جمله خلیفه سلیم و علی آقا شورشی در بتلیس راه می اندازند که بیرحمانه سرکوب می شود . در سال 1909 جوانان ترک انجمنها و مدرسه کردان را در " جنبرلی " می بندند ، لیکن این حرکت مانع از آن نمیشود که در 1910 گروهی از دانشجویان و حقوق دانان در انجمن تازه ای به نام (هیوای کورد) (امید کرد) گرد هم آیند و شروع کنند به نشر مجله ماهانه ای به نام : (روزا کورد) (روز کرد) .

بدینگونه ظاهرا جهشی به جنبش داده می شود ، و در آستانه آغاز جنگ 1914 نهضت ملی

راه خود را بر زمینه روشنفکری می جوید .

2 - کردان در زمان جنگ 1914 - 1918 .

جنگ این تلاشهای معمول به منظور سازماندهی و تشکل آرمان مشترک ملی را متوقف می سازد . دعوت به جهاد در زیر پوشش اسلام ، یک بار دیگر زمینه به دست می دهد که غرایز جنگجویی کردان در جهتی کاملا مغایر بامنافع راستین ملی ایشان تجلی کند .

ترکان میخواهند که از کردان برای تامین منظورهای نظامی خویش استفاده کنند ، لیکن در عینحال از نزدیک مواظبشان هم هستند ، به طوری که میتوان فهرست مطولی از میهن پرستان کرد به دست داد که در دوران جنگ به دست ترکان اعدام شدند .

من خود تحت عنوان : (شرکت در مطالعه در امر جهاد) در 1935 بیانیه ای به ششمین گنگره بین المللی تاریخ ادیان در بروکسل تقدیم کرده ام. علاوه بر این در 1951 نیز بیانیه دیگری تحت عنوان : (یک گواهی کردی در باره جهاد) به کمیته سازمان بیست و دومین گنگره بین الملل خاورشناسان در اسلامبول فرستاده ام که از قرار معلوم : ((گم شده است))!!.

میدانیم که کمال بیگ بوتان ، یکی از افراد خانواده بدرخان در 1916 در تفلیس فعالیت زیادی به خرج داد تا مگر مسئله آرمان ملی کردان را به دوک بزرگ نیکلا ، نایب السلطنه قفقاز و سر فرمانده نیروهای روسیه در جبهه ترکان بقبولاند. به هر حال به نظر نمی رسد که در آن زمان دولت روس از سیاست معینی نسبت به کردان پیروی کرده باشد. مسئله کردان با دورنمای یک ارمنستان مستقل اشتباه میشود. من در اواخر سال 1917 در دفتر قونسولگری خود در ارومییه پیکی را از جانب ((جمعیت استخلاص کردان)) آمده بود به حضور پذیرفتم. این پیک نامه از سید طه به دستم داد که در آن از من خواسته شده بود ترتیب ملاقاتی بین او و فرماندهان ارتش روس بدهم تا توافقی برای یک اقدام مشترک علیه ترکان به منظور آزادی کردستان با هم بکنند. سید طه که از بند اسارت روسها گریخته بود برادر زاده شیخ عبدالقادر بود. خود شیخ که تا سال 1925 مقامات ترک او را گرفتند و در دیاربکر اعدامش کردند. درهما زمان ، پسر او سید عبد الله در موصل دستگیر شد.

من در مجموعه ایی که متنهای کردی در اختیار دارم شرحی هم از معلم کرد ملا سعید به تاریخ 1917 در باره رویه مه میهنانش در برابر ترکها و روسها دارم. این کرد رند و با سواد چنین اظهار عقیده می کند که برای رام کردن و براه آوردن کردهای خشن و گردنکش واجبتر از هر چیز این است که ایشان را از زیر یوغ روسایشان آزاد کرد و درد فقر و فلاکتشان را شفا بخشید.

اتفاقا نظریه همقطار شوروی من ویلچفسکی نیز همین است. این یادداشت حاکی از ادعای نامه اجتماعی که از زیر قلم یک کرد درس خوانده و عاقل در آمده است در خور آنست که نگاهداشته بشود.

از واقعیت مهمی نیز که به طور کلی مردم از آن بی خبر مانده اند نمی توان به سکوت گذاشت و آن تبعیدهای دسته جمعی کردان است در دوران جنگ 1914 - 1918 .

این تبعیدها به بهانه تخلیه اماکن در برابر پیشروی روسها صورت میگرفت و منظور از آن سلب ملیت کردهایی بود که در دهات ترک نشین پراکنده می شدند و از روسای سنتی خود جدا مانده بودند. از هفتصد هزار نفری که این اقدام در موردشان بعمل آمده بود عده ای زیادی قربانی شدند ، بازماندگان به سر خانه و زندگی خویش برگشتند.

به هنگام شکست ترکان ، روسای کرد در ماه مه 1919 در محلی موسوم به کهتا واقع در نزدیکی ملاطیه ، به دور هم گرد آمدند تا طرح دست زدن به یک اقدام ضد کمال آتا ترک را بریزند. سر-هنگ بل رئیس اینتلیجنت سرویس انگلیس در حلب آمد تا به نام دولت متبوع خودایشان را از این

اقدام منصرف کند و از طرف متفقین به آنان قول داد که آرمانها و خواسته های ملی کردان را در نظر گفته خواهد شد. همان وقت در نظر بود که قراردادی در "سه ور" به امضا برسد....

پیش ازاینکه به بررسی برد آن پیمان در مورد نهضت ملی کرد بپردازیم شایسته است اشاره به از سر گرفتن فعالیتهای میهن پرستانه ای بکنیم که به شکل ایجاد کمیته ها تجلی می کرد. از جمله، امیر ثریا، بلافاصله پس از پیمان ترک مخاصمه "مودروس" کمیته ای به نام (انجمن استقلال کرد) در قاهره تشکیل داد. امیر امین اعالی و کامران اعالی بیگ و سناتور عبدالقدیر و شخصیت‌های دیگر نیز جمعیتی تاسیس کردند به نام (کورد تعالی جمعیتی) مدتی نه چندان زیاد پس از آن نیز جمعیت‌هایی به اسامی (کورد ملت فرقه سی) و (کورد تشکیلاتی اجتماعی جمعیتی) پیدا شدند. بلافاصله پس از اینکه قسطنطنیه به اشغال مصطفی کمال پاشا درآمد این سازمانها از هم پاشیدند، ولی در عین حال از فعالیت خود دست برنداشتند. در 1927 به هنگام تشکیل کمیته ملی ((هویبون)) همه آن سازمانها در آن ادغام شدند.

تایید بین المملی خواسته های کردان.

1- قرارداد "سه ور" مورخ 10 اوت 1920، و "لوزان" مورخ 24 ژوئن 1923.

هرچند معاهده "سه ور" عملاً به صورت نوشته ای بی اثر و مرده باقی مانده است ولی مسلم است که انعقاد آن نقطه عطف بسیار مهمی در تحول مسئله کرد بود. در واقع برای نخستین بار در تاریخ، یک سند دیپلماتیک "خود مختاری محلی برای مناطقی را که اکثر ساکنان آن کرد بودند" در نظر می گرفت (قسمت سوم، 62-64). از آن هنگام به بعد، دیگر در بین المللی شدن مسئله تردیدی نیست.

بیشک اظهار تاسف خواهد شد (همراه با پروفسور آ. ماندلستام متخصص در امور اقلیتها) ازاین که قرارداد لوزان - که جایگزین قرارداد سیه ور شده است - "تنها بر تساوی حقوق مدنی و سیا-سی اقلیت‌های غیر مسلمان تصریح دارد" (ماده 39). (رجوع شود به حمایت از اقلیتها، نشر-یه آکادمی حقوق بین الملل، چاپ 1925 هاست).

2- مسئله موصل

معاهده لوزان هر چه هم در مورد کردهای ترکیه ناقص و دوراز انصاف بوده باشد مع هذا در اینکه مسئله موصل را مطرح کرده و پس از آنکه در ماه اکتوبر 1924 یک خط تحدید در حدود موقت به نام "خط بروکسل" تعیین کرده و سازمان ملل را واداشته است که در باره این منطقه از کردستان به تحقیق بپردازد (رجوع شود به بند 2، ماده 3) نقش مهمی بازی کرده است. گزارش کمیسیون تحقیق (مرکب از کنت پ. تلکی، م. ویرسن، و سرهنگ پائولیس) به شورای سازمان ملل در تاریخ 16 ژوئیه 1925 حاکی از این بود که سازمان ملل باید به مدت 25 سال

بر این منطقه قیمومت داشته باشد ؛ امور اداری و قضایی و آموزشی این منطقه بایستی به دست خود کردها سپرده شود و زبان کردی به عنوان زبان رسمی آن شناخته شود.

یادآوری کنیم که پیش از اینکه گزارش مورد بحث به بحث و بررسی گذاشته شود آتش یک شورش کردی به رهبری شیخ سعید روش شده بود (فوریه - آوریل 1925) این تقارن نظریه انگلیستان را دایر بر اینکه ولایت موصل باید ضمیمه عراق بشود تقویت کرد. در عین حال ، شورش فوق الذکر تکذیبی بود بر ادعای هیئت نمایندگی ترکیه در **لوزان** ، دایر بر اینکه ((اقلیتهای مسلمان تحت نفوذ رژیم ترکیه از سرنوشت خود کاملاً راضی هستند)) .

به هر تقدیر ، در شانزدهم دسامبر 1925 ، شورای سازمان ملل " خط بروکسل " را به عنوان خط مرزی بین ترکیه و عراق تصویب کرد ، و در عین حال قیمومت بر عراق را برای مدت 25 سال بر عهده دولت بریتانیای کبیر گذاشت. در ضمن ، از دولت بریتانیا خوسته شد تا به تنظیم اساسنامه ای دایر به واگذاری اختیارات مورد توصیه گزارش به ساکنان کرد منطقه بپردازد. در فوریه 1926 ، نخست وزیر عراق در مجلس شورای آن کشور در بغداد چنین اظهار داشت : (ما باید حقوق کرد ها را به خودشان واگذار نمائیم ، کارمندان ادارات ایشان باید از میان خودشان انتخاب شوند ، خودشان باید به عنوان زبان رسمیشان شناخته شود و فرزندانشان در مدارس باید به آن زبان آموزش ببینند) .

واکنون - در سال 1955 - چقدر خوب بود اگر می توانستیم تائید کنیم که کردهای عراق از مقرراتی که در یک ربع قرن پیش اعلام شده است کاملاً برخوردارند !!

تاسیس ((خویبون)) و شورشهای جدید ادامه دارد

Chia.rabii@yahoo.com

2009-08-05

مالمو سوئید